

جنگ در ناگورنی قره‌باغ هیچ شانس برای احیاء عدالت تاریخی برای کردها بجا نمی‌گذارد!

نویسنده: ستانیلاف میخائیلوویچ ایوانف^۱

مترجم: کامران امین آوه

کردهای اتحاد شوروی که در اواخر سالهای دهه ۳۰ سده گذشته به اجبار به کشورهای آسیای میانه (کازاخستان، ازبکستان و قرقیزستان) تبعید شدند، همواره در پی اجرای عدالت بوده، مدت‌های طولانی امید بازگشت به زادگاه تاریخی خود را از دست ندادند.

روشن است که کردها بطور رسمی بعنوان یکی از خلهای بومی روسیه شناخته شده، چندین سده در جنوب قفقاز زندگی کرده بودند. اقلیم کردستان به مرکزیت شهرک آبدالیار (که دیرتر به لاجین تغییر نام داده شد) در سال ۱۹۲۳ در چارچوب جمهوری آذربایجان اتحاد شوروی سوسیالیستی و در مرز جمهوری ارمنستان اتحاد شوروی سوسیالیستی بنیاد نهاده شد.

این منطقه به‌گونه‌ای گسترده بعنوان "کردستان سرخ" مشهور شد و نقش مهمی در اعتلاء جنبش ملی - رهایی‌بخش کرد در ترکیه و ایران و مناطق تحت الحمايه فرانسه (سوریه) و بریتانیای کبیر (عراق) ایفا نمود. یکی از دلایل تشکیل کردستان خودمختار در این منطقه، تلاش حکومت شوروی برای کاهش میزان خشونت در مناقشات ارضی ارمنستان و آذربایجان از طریق دادن چند منطقه مورد اختلاف به طرف "سوم" و درست کردن "منطقه بی طرف" در میان ارمنستان و اقلیم خودمختار قره‌باغ کوهستانی آذربایجان بود. نام کردستان از سال ۱۹۲۱، در واقع ۲ سال قبل از تشکیل رسمی اقلیم کردستان بکار برده می‌شد. کردهای مسلمان عمدتاً بطور متراکم در اقلیم کردستان زندگی میکردند. حوسی حسینعلی اوغلی حاجیف اولین رئیس کمیته اجرایی اقلیم کردستان بود. این اقلیم مناطق قره‌قشلاق، کلبجار، قوتورلو، قوباتلی، کرد-حاجی و مرادخانلی را در برمیگرفت. جمعیت این اقلیم بالغ بر ۵۱،۲ هزار نفر بود، کردها با جمعیت ۳۷،۴۷۹ نفری (۷۳،۱٪)، ترک‌ها با ۱۳،۵۲۰ نفر (۲۶،۳٪) و ارمنی‌ها با ۲۵۶ نفر (۰،۵٪) ساکنین آنرا تشکیل میدادند. کردها در همه این مناطق بغیر از منطقه ترک زبان قوباتلی، دارای بیشترین درصد جمعیت بودند. طبق داده‌های سال ۱۹۲۵، اقلیم کردستان شامل ۶ منطقه و ۳۳۰ روستای متحده در ۶۳ شورای ده بود. ساختار اجتماعی این مردم تا حد زیادی خصلت عشیره‌ای خود را حفظ کرده بود، بخشی از کردها بطور نیمه کوچ‌نشین و عده زیادی هم در غارها و خیمه‌ها زندگی میکردند.

با تشکیل مدارس و تدریس به زبان کردی، همچنین ایجاد هنرستان‌های حرفه‌ای از سوی اتحاد شوروی، ده‌ها نفر از آنها امکان تحصیل در دانشگاه‌های اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی را بدست آوردند، روزنامه‌ها و مجلات به زبان کردی چاپ و منتشر شده، رادیوی محلی آنان شروع به کار نمود. در این دوره، در تمام

^۱ نویسنده این مقاله نامزد علوم تاریخ در روسیه میباشد.

جمهوریهای شوروی از قبیل آذربایجان، ارمنستان، گرجستان و ترکمنستان که جامعه کرد وجود داشت، مراکز فرهنگی و مدارس و آموزشگاه به لهجه‌های کردی تشکیل شدند.

[متاسفانه] تصویری که حکومت شوروی در سال‌های آغازین برای رشد و پیشرفت کردها بمتابۀ یک گروه اتنیکی نشان داده بود، در سالهای دهه ۱۹۳۰ [یعنی در دوره حکومت ستالین]، کاملاً تغییر پیدا کرد. مقامات جمهوری‌ها شروع به اعمال سیاست همگونسازی اجباری اقلیت‌های ملی کردند. در جمهوری آذربایجان اتحاد شوروی سوسیالیستی خط مشی ترک کردن کردها شروع شد. از این زمان به بعد، نام خانوادگی خانواده‌های کرد پسوند هائی چون "اوغلی"، "ئیف"، "اوف"، "یان"، "شویلی"، "دزی" و غیره را به دنبال خود کشیدند. در راستای این سیاست، عمر اقلیم کردستان نیز مدت زیادی دوام نیاورد و طبق تصمیم ۶مین کنگره سراسری شوراهای آذربایجان در ۸ آوریل ۱۹۲۹ به حیات آن خاتمه داده شد. با اینهمه، کردستان خودمختار در اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی در سالهای ۱۹۲۹-۱۹۲۳ وارد تاریخ نهضت ملی کرد شده، برگی زرینی از حافظه تاریخی کرد را تشکیل داد.

در سالهای ۴۰-۱۹۳۰ کردهای شوروی سرنوشت یکسانی مانند اکثر خلق‌های سرکوب شده داشتند. بیشتر آنانی که عمدتاً مسلمان بودند از محل ثابت زندگیشان به مناطق نامناسب و غیر قابل سکونت در کازاخستان، ازبکستان و قرقیزستان تبعید شدند. فقط کردهای ایزدی ارمنستان و گرجستان، همچنین جامعه کردهای ترکمنستان در محل زندگی خود ماندند. مقامات شوروی احتمال طرفداری کردها از ترکیه و ایران را در صورت شعله‌ور شدن جنگ جدید یا درگیریهای مسلحانه در جنوب [شوروی] دلیل تبعید کردها به قفقاز میدانستند. استالینست‌ها آشنایی خوبی با تاریخ نداشتند، در جنگ روس و ترک، هنگ‌های کرد تحت رهبری ژنرال کرد، علی آغا شمس‌الدین، قهرمانی بی نظیری را در مبارزه با ترک‌ها از خود نشان دادند. کردهای بازمانده علیرغم تبعید اجباری و سرکوب شدنشان در دوره اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی، قهرمانانه در جنگ علیه اشغالگران هیتلری در سالهای جنگ کبیر میهنی شرکت کردند، به سه نفر از آنها نشان "قهرمان اتحاد شوروی" اعطاء شد و هزاران نفر با دادن پایه و مقام و مدال مورد تشویق قرار گرفتند.

پس از مرگ ستالین شروع اعاده حیثیت از کردهای بی گناه و آسیب دیده، به احیا دادگری و عدالت تاریخی منجر نشد. مقامات جمهوریهای سوسیالیستی به اکثر کردها اجازه بازگشت به خانه و کاشانه و زادگاهشان را ندادند. تاکنون نیز جامعه کردهای تبعیدی در کازاخستان، ازبکستان و قرقیزستان زندگی میکنند و تنها کردهای ایزدی توانستند در ارمنستان و گرجستان بمانند. بیش از صد هزار کرد اعاده عیثیت شده به روسیه نقل مکان کرده، تبدیل به شهروندان کامل حقوق فدراسیون روسیه گشتند.

مقامات آذربایجان شوروی از راههای مختلف، با بازگشت کردها به لاجین و مناطق نزدیک به قره‌باغ کوهستانی مخالفت ورزیدند. پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی، ناسیونالیسم بخشی از سیاست‌های حکومتی دولت جدید آذربایجان را تشکیل داد. در این برش تاریخی کردهای باقی مانده در آذربایجان کاملاً آسیمیله شده بودند و باکو اجازه بازگشت به کردهای اخراج شده کردستان سرخ به قره‌باغ کوهستانی را نداد.

مقامات جمهوری خودخوانده قره‌باغ (آرساخ) و حکومت ارمنستان در رابطه با کردهای اعاده حیثیت شده لاجین تا حد زیادی همان موضع را گرفتند. آنها بر این باورند، کردها بخاطر اعتقادات اسلامی‌شان در اختلافات میان ارمنستان و آذربایجان ممکن است به ستون پنجم [آذری‌ها] تبدیل شوند. تلاش جدید حکومت آذربایجان برای برگرداندن کنترل خود بر ناگورنی قره‌باغ، هیچ امیدی برای بازگشت کردهای وارث کردستان سرخ به نزد گور پیشینیان و زادگاهشان به جا نمی‌گذارد. با بدتر شدن وضعیت این منطقه و مداخلات ترکیه، شانس کردهای لاجین برای احیاء عدالت تاریخی در این موقعیت به صفر میرسد.

منبع

Иванов Станислав Михайлович «Война за Нагорный Карабах не оставляет шансов курдам восстановить историческую справедливость»
<https://riataza.com/>